

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)

سال بیست و یکم، دوره جدید، شماره ۱۱، پیاپی ۹۵، پاییز ۱۳۹۰

قانون انحصار تجارت خارجی ایران ۱۳۰۹:

زمینه‌ها، اهداف و پیامدها^۱

داریوش رحمانیان،^۲ غلامرضا ظریفیان^۳

سیمین فصیحی،^۴ شهرام غلامی^۵

تاریخ دریافت: ۹۰/۱۵/۱۵

تاریخ تصویب: ۹۰/۱۱/۸

چکیده

دولت در اسفند ۱۳۰۹ به موجب قانون، انحصار بازرگانی خارجی کشور را در دست گرفت. در پژوهش‌های جدیدی که در مورد تاریخ و اقتصاد ایران صورت گرفته، توجه چندانی به این مسأله نشده؛ یا ارزیابی‌ها

۱. این مقاله از پایان‌نامه دکتری در دانشگاه تهران با عنوان «اقتصاد کشاورزی ایران از ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰» با راهنمایی آقای دکتر داریوش رحمانیان و مشاوره آقای دکتر غلامرضا ظریفیان و خانم دکتر سیمین فصیحی صورت گرفته است. از راهنمایی و مشاوره این اساتید ارجمند که همواره مطالب سودمندی ارائه داده‌اند، بسیار سپاس‌گزارم.

۲. استادیار تاریخ دانشگاه تهران Rahmanian@ut.ac.ir

۳. استادیار تاریخ دانشگاه تهران Zarifyan@ut.ac.ir

۴. استادیار تاریخ دانشگاه الزهراء. Fasihis@gmail.com

۵. دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه تهران Shahramgholami1975@gmail.com

شتاب‌زده و ناآگاهانه بوده و دلایل و پیامدهای این اقدام مغفول مانده است. در این مقاله ضمن اشاره به برخی از این دیدگاه‌های ساده‌انگارانه، تحولات بین‌المللی بعد از جنگ جهانی اول، اثرات بحران اقتصادی ۱۹۳۰ و نیز سلطه بازرگانی شوروی بر اقتصاد کشاورزی ایران، در تدوین این قانون بررسی شده است. یافته‌های این تحقیق نشانگر آن است که تحولات سیاسی و اقتصادی بعد از جنگ اول جهانی، در ایران نیز همانند سایر کشورهای دیگر، لزوم دخالت دولت در اقتصاد را به وجود آورد. بحران اقتصاد جهانی ۱۹۳۰، دولتی شدن بازرگانی خارجی روسیه و پایین آمدن ارزش نقره به عنوان واحد پول ایران، این امر را تا حد زیادی تشدید و الزام‌آور نمود. این اقدام دولت، حاصل یک برنامه‌ریزی اقتصادی بلندمدت نبود، بلکه نتیجه شرایط سیاسی و اقتصادی آن زمان بود و با آزمایش و خطا همراه شد. اما دست‌کم در کوتاه‌مدت باعث بهبود صادرات و تنظیم درآمدهای دولت گردید. همچنین صنعتی‌سازی جایگزین واردات با دخالت دولت سرعت یافت، شرکت‌های بازرگانی و شرکت‌های سهامی جایگزین بازرگانی سنتی گردید و تغییرات متفاوتی در الگوی کشاورزی و صادرات آن به وجود آمد.

واژه‌های کلیدی: بحران اقتصاد جهانی، اقتصاد دولتی، انحصار بازرگانی

خارجی، اقتصاد سیاسی، ناسیونالیسم، صنعتی شدن.

مقدمه

در اسفند سال ۱۳۰۹ قانونی تصویب شد که به موجب آن دولت انحصار تجارت خارجی را به دست می‌گرفت. این قانون مورد ارزیابی‌های گوناگونی قرار گرفته است، اما بیشتر این ارزیابی‌ها که درباره علل و انگیزه‌های این قانون صورت گرفته بسیار سطحی و ناشی از ناآگاهی به مسائل

تاریخ اقتصادی ایران و جهان در آن زمان است. در این مقاله برای نمونه ابتدا سه مورد از این ارزیابی‌ها ذکر می‌شود و سپس با الهام از دیدگاه اقتصاد جهانی و دولت مدرن، تأثیر تحولات اقتصاد جهانی بر مسائل اقتصادی ایران و عملکرد دولت در واکنش به این تحولات بررسی می‌گردد. فرضیه مقاله این است که در دوره معاصر به دلیل جهانی شدن اقتصاد، تحولات اقتصادی فراملی بر ساختار اقتصاد داخلی کشورها تأثیرگذار بوده و از طرف دیگر نیز دولت‌های جدید با ابزارهای قانونی و بهره‌گیری از شیوه‌های مالیات‌ستانی نوین در برابر این تحولات مقاومت نشان داده و سعی کرده‌اند تا از پیامدهای تحولات اقتصاد جهانی به نفع خود بهره‌برداری کنند. در این دوره دولت با توجه به ظرفیت‌های خود و ابزارهای قانونی که در اختیار داشت، تلاش می‌کرد تا در برابر تحولات اقتصادی جهان مقاومت نشان داده یا از آن به نفع خود استفاده کند؛ بنابراین در مواقعی که از ظرفیت‌های خود آگاهی کامل نداشت، برنامه‌هایش را با آزمایش و خطا پیش می‌برد؛ در نتیجه برنامه‌های اقتصادی دولت در عمل کاستی‌های زیادی داشت که بررسی آن‌ها خارج از بحث این مقاله است.

در ادامه، بحث را با ذکر چند نمونه از ارزیابی‌های پژوهشی جدید درباره علل انحصار تجارت خارجی ایران در دوره رضاشاه پی می‌گیریم.

از دیدگاه شاپور رواسانی انحصار تجارت خارجی برنامه‌ای بود با این اهداف:

۱. جلوگیری از رشد سرمایه‌داری ملی؛ ۲. تثبیت موقعیت طبقه حاکم؛ ۳. جلوگیری از رشد مبارزات ضد استعماری.

از دیدگاه او، سیاست انحصار تجارت خارجی سلاحی برای جلوگیری از پیشرفت اقتصادی کشور بود و صنایع این دوره هم به دلیل سیاست اقتصادی وابسته به استعمار، مطابق با احتیاجات مردم ایران رشد نکرد (بی‌تا: ۱۳۹ و ۱۴۱).

موسی غنی‌نژاد انحصار تجارت خارجی را یک برنامه تقلیدی می‌داند و در این خصوص می‌نویسد: «رضا شاه آشکارا تحت تأثیر سیاست‌های اقتصادی شوروی قرار داشت. به این ترتیب مشاهده می‌شود که سیستم انحصار دولتی به تقلید از رژیم کمونیستی شوروی در ایران استقرار می‌یابد.» (۱۳۷۷: ۳۸).

محمدرضا قدس نیز بدون در نظر گرفتن شرایط سیاسی و اقتصادی آن روز جهان، علل انحصار تجارت خارجی و رشد سرمایه‌داری دولتی را به یک انگیزهٔ روانشناختی رضاشاه و گرایش پاتریمونیاالیستی وی تقلیل داده و در این خصوص می‌نویسد: «گرایش پاتریمونیاالیستی رضاشاه، سرمایه‌داری دولتی را با الگوی خارجی از جمله ایتالیای فاشیست، آلمان نازی و ترکیهٔ زمان مصطفی کمال آتاتورک را تقویت کرد و دولت با همکاری آلمان به صنعتی کردن کشور پرداخت.» (1986: 108). همایون کاتوزیان نیز بدون توجه به تحولات بین‌المللی و تاریخ دیپلماسی ایران بیان مشابهی با قدس دارد. وی نیز معتقد است رضاشاه به این دلیل گرایش به آلمان داشت که وی «دولت پرست، نظامی گرا، مستبد، نژاد پرست و پان ایرانیست بود» (۱۳۷۲: ۱۸۰).

در ادامهٔ بحث با تشریح تحولات اقتصادی جهان و شرایط اقتصادی و سیاسی ایران آن زمان مشخص خواهد شد که تحلیل سیاست‌های اقتصادی ایران از روی انگیزه روانی و شخصی و نسبت دادن برنامه‌های صنعتی و بازرگانی خارجی ایران به خصلت دیکتاتوری رضاشاه و تقلیدی بودن آن‌ها نشانگر عدم درک واقعیت‌های سیاسی و اقتصادی ایران و جهان در آن برههٔ تاریخی بوده است.

قانون انحصار تجارت خارجی، اسفند ۱۳۰۹

در سال ۱۳۰۸ در نتیجهٔ رکود اقتصادی و پایین آمدن ارزش پول کشور در برابر ارزهای خارجی، دولت برای حل این بحران به نظرخواهی از فعالان اقتصادی پرداخت. بیشتر صاحب‌نظران پایین آمدن ارزش نقره در بازارهای جهانی و کاهش صادرات را عامل بحران می‌دانستند و همگی بر کنترل خرید و فروش ارز و تغییر واحد پول از نقره به طلا اتفاق نظر داشتند (معاونت خدمات مدیریت و اطلاع‌رسانی دفتر رئیس‌جمهور، ۱۳۸۰). سرانجام، در اسفند ۱۳۰۸ قانونی به نام «قانون تفتیش اسعار خارجی» به تصویب رسید، اما مشکلات ناشی از اجرای این قانون باعث شد تا اصلاحات و تبصره‌هایی در آن صورت گیرد و در نهایت، دولت با تداوم بحران مالی به این نتیجه رسید که باید منبع ارز اقتصاد کشور، یعنی تجارت خارجی را به انحصار خود درآورد؛ بنابراین درست یک سال

بعد، یعنی در اسفند ۱۳۰۹ قانون انحصار تجارت خارجی به تصویب رسید و در تیر ماه سال ۱۳۱۱ برای اصلاح امور بازرگانی بندهایی از این قانون اصلاح شد.

به موجب این قانون، حق واردات و صادرات کلیه محصولات طبیعی و صنعتی و همچنین تعیین سهمیه و شرایط صادرات و واردات آنها در چارچوب مقررات این قانون، به عهده دولت گذاشته شد. واردات کالاهای خارجی به ایران مستلزم صدور محصولات کشاورزی و صنعتی ایران به خارج بود، اما برای واردات تمامی کالاهایی که توسط دولت به منظور استفاده خود (کالاهای سرمایه‌ای) سفارش داده می‌شد و نیز واردات ماشین‌آلات کشاورزی و صنعتی برای مؤسسات خصوصی به منظور افزایش تولید داخلی از این اصل معاف شد. طبق ماده سوم این قانون دولت مجاز بود که اجازه واردات و یا صادرات کالا را به اشخاص یا مؤسسات بازرگانی واگذار نماید. برای این منظور دولت موظف بود در اول تیرماه، که اول سال اقتصادی محسوب می‌شد، فهرست این کالاها را به اشخاص یا مؤسسات اعلان و سهم هریک از اقلام و بندرخانه‌ها را مشخص نماید. بنابراین، اشخاص و مؤسسات بازرگانی با گرفتن پروانه صادرات یا واردات می‌توانستند به فعالیت خود ادامه دهند. هر صادر کننده موظف بود هنگام صدور کالا از کشور تعهد کند که معادل ارزش برآورد شده صادرات خود را در مدت ۸ ماه از تاریخ صدور با نرخ رسمی به دولت تسلیم نماید.

کالاهایی که طبق این قانون تجارت آنها از حوزه عمل صادرکنندگان معمولی خارج و تجارت آنها در اختیار دولت یا شرکت‌های انحصاری تحت حمایت دولت افتاد، عبارت بودند از: شکر، چای، تریاک و دخانیات، ابریشم و نوغان، کالاهای نخی و پنبه‌ای، اتومبیل، قالی، غلات، خشکبار، برنج، انقوزه، پنبه، پشم و پوست (معاونت خدمات مدیریت و اطلاع‌رسانی دفتر رئیس جمهور، ۱۳۸۰: ۱۵۵-۱۶۱ و ۲۶۴-۲۷۷).

این سیاست اقتصادی در بعضی کشورهای دیگر نیز بنا به شرایط و مقتضیات داخلی به اجرا درآمد. در نوامبر ۱۹۳۱ قانون انحصار تجارت خارجی نیز در ترکیه تصویب شد و این کشور ورود بعضی از اجناس و محصولات خارجی را ممنوع و برخی دیگر را طبق سهمیه‌های مشخص قرار داد. در هلند و رومانی نیز مقررات انحصار تجارت خارجی برقرار گردید و ایتالیا نیز که نقشه فتح

حیثه و تقویت اقتصاد خود را مورد نظر داشت، مقرراتی شبیه انحصار تجارت برقرار کرد (وحید مازندرانی، ۱۳۱۶: ۸۴-۸۶).

از طرف دیگر قانون انحصار تجارت خارجی با واکنش روسیه و انگلستان مواجه شد؛ زیرا این دو کشور روابط بازرگانی گسترده‌ای با ایران داشتند و کالاهای این دو کشور در شرایط نابرابر تجاری و بدون محدودیت‌های گمرکی وارد ایران می‌شد. دولت انگلستان به دلیل موقعیت برتر اقتصادی و سیاست باز اقتصادی مخالف سیستم اقتصاد دولتی بود و به همین سبب به سیاست اقتصادی ایران واکنش نشان داد. دولت شوروی هم به دلیل موقعیت انحصاری در تجارت ایران، نگران این بود که موقعیت ممتاز خود را در تجارت با ایران از دست دهد.

روزنامه‌های انگلستان نیز به دنبال واکنش رسمی دولت این کشور، طی مقالاتی سیاست جدید اقتصادی ایران را مورد حمله و انتقاد قرار دادند. آن‌ها از این نگران بودند که این قانون باعث محدودیت تجارت انگلستان و تقویت روس‌ها شود (معاونت خدمات مدیریت و اطلاع‌رسانی دفتر رئیس جمهور، ۱۳۸۰: ۱۳۲-۱۳۳). علاوه بر این، اتحادیه صنعتگران انگلیس از دولت بریتانیا درخواست کرد تا در این موضوع دخالت نموده و دولت ایران را، تا حد امکان، وادار نماید که از قانون انحصار تجارت صرف‌نظر یا در مقررات آن برای تأمین مقاصد آنان تجدید نظر نماید. اما وزیر خارجه ایران در جواب اعتراض دولت انگلستان عنوان کرد که ایران برای جلوگیری از بحران شدید اقتصادی و ایجاد موازنه تجاری و به منظور حمایت از کشاورزی و صنایع داخلی به وضع قانون انحصار تجارت خارجی اقدام کرده و نمی‌خواهد محدودیتی در تجارت خارجی کشور ایجاد کند، بلکه در برابر هر جنسی که از سرحد کشور وارد می‌شود باید به میزان قیمت آن محصولات ایران صادر شود (وحید مازندرانی، ۱۳۱۶: ۷۱-۸۳).

زمینه‌ها

۱. تحولات بعد از جنگ اول جهانی و بحران اقتصاد جهانی

بعد از جنگ اول جهانی کشورهای تازه استقلال یافته در صدد خودکفایی اقتصادی برای تضمین استقلال سیاسی خود برآمدند؛ بنابراین برای اطمینان از استقلال سیاسی و اقتصادی خود و نیز تأمین

درآمد لازم برای نوسازی و توسعه اقتصادی کشور، به وضع قوانین جدید گمرکی پرداخته و به سیاست‌های حمایتی روی آوردند. از این رو با ایجاد تغییرات ارضی و سیاسی در اروپا، به تدریج حس ملیت و اندیشه استقلال و پیشرفت اقتصادی در بین کشورها به قدری شدت گرفت که چند سال پس از جنگ جهانی اول، به جای ۱۴ نوع پول قبل از جنگ، ۲۷ نوع پول ملی و بیش از ۲۰ هزار کیلومتر بر مرزهای گمرکی کشورها افزوده شد (کندی، ۱۳۸۲: ۲۵۵). این تغییرات وسیع در اوضاع سیاسی اروپا و افزایش روزافزون سدهای گمرکی کشورها تأثیرات وخیمی در امور اقتصادی دنیا داشت. بر اثر آن راه تجارت و داد و ستد بین‌المللی تنگ‌تر و جریان سرمایه و ثروت دشوارتر گردید. بی‌نظمی و هرج و مرج سختی در کارهای اقتصادی به وجود آمد که سرانجام باعث پیدایش بحران اقتصادی ۱۹۳۰ شد. به این منظور برای جلوگیری از خطر سیاست حمایتی و از بین بردن موانع و اشکالات تجاری در سال ۱۹۲۸ کنفرانسی در ژنو تشکیل شد که کشورها را به کاستن عوارض گمرکی و انتخاب روش تجارت آزاد دعوت می‌کرد، اما به دلیل حرارت و غرور ملی که در کشورهای تازه تأسیس به وجود آمده بود، اقدامات کنفرانس ژنو نیز بی‌نتیجه ماند.

در نتیجه بحران مالی آمریکا، دولت این کشور در ژوئن ۱۹۳۰ با وجود مخالفت جدی بیش از یک هزار کارشناس اقتصادی، لایحه تعرفه گمرکی اسموت-هالی^۱ را از تصویب کنگره گذراند. این لایحه شامل مجموعه‌ای از حمایت‌های وسیع از تولیدات صنعتی و کشاورزی بود. این اقدام موجب واکنش گسترده‌ای در جهان شد و کشورهایی مانند ایتالیا، فرانسه، کانادا، کوبا، مکزیک، استرالیا و نیوزلند به سرعت دست به اقدامات تلافی‌جویانه زدند (گالبرایت، ۱۳۸۰: ۱۰۶-۱۰۷؛ تاپیتون و آلدریچ، ۱۳۷۵: ۲۹۳). پس از آن انگلستان نیز، که مدافع اصلی اقتصاد آزاد بود، در سال ۱۹۳۱ قانونی را تصویب کرد که به موجب آن تجارت آزاد را محدود کرده و تعرفه‌های موجود را بالا برد. در سال ۱۹۳۲ نیز یک تعرفه عمومی ۱۰ درصدی بر تمامی واردات خود وضع کرد و علاوه بر این به ایجاد یک سیستم سهمیه‌بندی و موافقت‌نامه‌های دوجانبه با برخی از کشورها مانند استرالیا و آرژانتین روی آورد (تاپیتون و آلدریچ، ۱۳۷۵: ۲۹۳-۲۹۴).

ملی‌گرایی و ناسیونالیسم با شکل‌گیری اقتصاد ملی یا اقتصاد حمایتی دولتی ارتباط تنگاتنگی داشت. زمینه پیدایش این تفکر توسط فردریک لیست در آلمان نیمه دوم قرن نوزدهم زمانی آغاز شد که موجی از احساسات ناسیونالیستی در آلمان و کشورهای اروپایی در حال شکل‌گیری بود. پس از جنگ جهانی اول به دلیل تشکیل حکومت‌های جدید از یک طرف و شکست و اشغال برخی کشورهای دیگر - همپای رشد احساسات ناسیونالیستی - ضرورت پیدایش اقتصاد ملی و دخالت دولت در امور اقتصادی برای حفظ و گسترش صنایع داخلی بیشتر شد؛ بنابراین در دهه ۱۹۳۰ یک ناسیونالیسم افراطی در بسیاری از کشورها مانند آلمان، ژاپن، فرانسه، اتریش، چک اسلواکی، لهستان، ایتالیا، ترکیه، ایران و غیره شکل گرفت که در نتیجه آن محدودیت‌های شدید ارزی و بازرسی‌های گمرکی به وجود آمد و برنامه‌های اقتصادی مشابهی در پیش گرفته شد. (گالبرایت، ۱۳۸۰: ۱۳۷)؛ به این ترتیب، در فاصله جنگ جهانی اول و دوم، همه کشورهای حصار گمرکی دور خود کشیده و با حربه‌های بازرگانی مانند به دست گرفتن نرخ اسعار و تعیین سهمیه کالاهای صادراتی و وارداتی و غیره با یکدیگر به مبارزه اقتصادی می‌پرداختند.

بعد از جنگ جهانی اول دولت و دنیا مفهوم دیگری پیدا کرد و دولت‌ها در تمام شئون زندگی افراد کمابیش برای خود حق ولایت قائل شده و خود را حافظ موجودیت و استقلال اقتصادی کشور در مقابل دیگر کشورها می‌دانستند (متین دفتری، ۱۳۲۴: ۱۶). در ایران نیز بسیاری از روشنفکران، صاحبان صنایع و آگاهان به امور اقتصادی و حتی بعضی از بازرگانان از ضرورت دخالت دولت در امور اقتصادی دفاع می‌کردند. بسیاری از تجار که در اوایل حکومت پهلوی به دلیل کمبود نقدینگی یا به دلیل انحصار تجارت خارجی شوروی و تحولات ناشی از انقلاب این کشور ورشکست شده بودند، از دولت درخواست کمک می‌کردند و حتی تقاضا داشتند تا در یکی از ادارات دولتی استخدام شوند (ترابی فارسانی، ۱۳۸۳: ۵۳ و ۶۴) گذشته از این، بحران اقتصادی ایران و ورشکسته شدن بسیاری از صنایع و کارخانجات کشور، زمینه اندیشیدن درباره مسائل اقتصادی و پرداختن به علل بحران مالی ایران در میان طیفی از افراد آگاه به مسائل اقتصادی را برانگیخت و باعث طرح مسائل اقتصادی متفاوت شد.

بسیاری از اعضای حزب تجدد مانند تقی‌زاده، داور و تیمور تاش، که در تشکیل و تداوم دولت جدید نقش فعالی داشتند، از لزوم دخالت دولت در اقتصاد حمایت می‌کردند. علی‌اکبر داور رفع بحران اقتصادی ایران را تنها به دخالت دولت در اقتصاد وابسته می‌دانست. (مجله آینده، ش ۱۳، ۱۳۰۵: ۲۴). بعد از این نیز قانون تفتیش اسعار خارجی در سال ۱۳۰۸ و قانون انحصار تجارت خارجی در سال ۱۳۰۹ با برنامه ریزی و نفوذ تیمور تاش صورت گرفت. شاید بدون نظر و اعمال نفوذ وی این قانون صورت عملی به خود نمی‌گرفت. داور در تشکیل شرکت‌های سهامی دولتی و کنترل بازرگانی دولت نقش فعال و مؤثر داشت و تقی‌زاده، وزیر مالیه ایران در هنگام تدوین این قانون، معتقد بود که دولت باید بدون تردید و با اراده آهنین در اجرای آن بکوشد و نباید از شیطنت موش‌های اقتصادی داخله و خارجه دچار تردید شود (معاونت خدمات مدیریت و اطلاع‌رسانی دفتر رئیس جمهور، ۱۳۸۰: ۲۶۳). به هر حال، ورشکست شدن صنایع داخلی بسیاری از این افراد را به این نتیجه رساند که صرف احداث کارخانه برای پیشرفت اقتصادی جامعه کافی نیست و «اگر به جای یک کارخانه چندین کارخانه و صنایع مختلف به وجود آید، در اثر رقابت خارجی و عدم اختیار دولت ایران در جلوگیری از این رقابت، سرنوشت کارخانه‌های مذکور را داشته و به زودی از بین خواهد رفت»؛ بنابراین استقلال گمرکی و لزوم حمایت دولت از صنایع نوپا با ایجاد انحصار تجارت خارجی، کلید حل این معما شناخته می‌شد (صفی‌نیا، ۱۳۰۷: ۵) بسیاری از فعالان عرصه سیاست و اقتصاد ایران، قانون انحصار تجارت خارجی را بهترین پاسبان صنایع می‌دانستند و حتی معتقد بودند که با وجود قانون انحصار تجارت خارجی، تغییر واحد پول کشور برای مهار بحران اقتصادی دیگر ضرورتی نخواهد داشت (زاهدی، ۱۳۴۲: ۳۲).

با گسترش کشاورزی در اروپای بعد از جنگ جهانی اول و کاهش تقاضا برای واردات محصولات خام کشاورزی در این کشورها، از سال ۱۹۲۵ به بعد قیمت محصولات کشاورزی در بازارهای جهانی سقوط کرد؛ زیرا تولید کشورهای اروپایی در نتیجه به‌کارگیری کود و اصول علمی بهبود یافته بود و به دلیل عرضه بیشتر به بازار قیمت‌ها پایین آمد؛ به طوری که در فاصله سال‌های ۱۹۲۴-۱۹۲۹ قیمت گندم تا ۶۰ درصد و قیمت شکر تا ۴۰ درصد پایین آمد (تاپتون و آلدریچ، ۱۳۷۵: ۲۹۴). برای بسیاری از کشورهای وام‌گیرنده بدهکار در اروپای مرکزی و شرقی و

همچنین آمریکای لاتین تنها راه پرداخت بدهی‌های خارجی اتکا به صادرات محصولات کشاورزی بود؛ بنابراین هرچه قیمت‌ها پایین می‌آمد، نیاز این کشورها به تولید و فروش محصولات کشاورزی بیشتر می‌شد و به همان میزان که بیشتر می‌فروختند، قیمت‌ها بیشتر و بیشتر پایین می‌آمد؛ برای مثال صادرات گندم کشور مجارستان بین سال‌های ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۲ دو برابر شد، اما درآمد حاصل از صادرات به دلیل کاهش قیمت پایین آمد (James, 2000: 190-191).

بار دیگر بحران اقتصادی ۱۹۳۰-۱۹۳۳ باعث کاهش سریع قیمت کالاهای خام در مقایسه با کالاهای ساخته شده گردید. در نتیجه در فاصله سال‌های ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۲ قیمت محصولات کشاورزی در بسیاری از کشورهای تولیدکننده مواد خام تا ۶۰ درصد دیگر پایین آمد؛ به گونه‌ای که درآمد حاصل از صادرات در چین تا ۸۰ درصد، در آمریکای لاتین تا ۶۷ درصد در اروپای شرقی و آفریقا تا ۶۰ درصد و در استرالیا تا ۵۰ درصد کاهش یافت (تاپتون و رابرت آلدريج، ۱۳۷۵: ۲۹۷) و در مقابل بسیاری از کشورهای واردکننده محصولات کشاورزی تعرفه‌های گمرکی را بسیار بالا بردند (فاتح، ۱۳۱۳: ۹۷۴-۹۷۵؛ گالبرایت، ۱۳۸۰: ۹۹-۱۰۰).

مجموع این عوامل برای کشورهایی مانند ایران که اقتصادشان وابسته به کشاورزی بود و از ظرفیت‌های محدودی برخوردار بودند، آثار زیان‌باری داشت. کاهش تقاضا و کاهش قیمت محصولات کشاورزی باعث پایین آمدن ارزش صادرات شد و در نتیجه عواید ارزی کشور از این طریق کاهش یافت.

علاوه بر کاهش تقاضای جهانی، به دلیل پایین بودن کیفیت صادرات کشاورزی ایران نسبت به تولیدات مشابه کشورهای یونان، ترکیه و مصر و نیز مسائلی از قبیل؛ باربندی نامناسب و تقلب و ناکارآمدی بازرگانان ایرانی، محصولات صادراتی ایران به تدریج بازارهای سنتی خود را از دست می‌داد. از طرف دیگر، کشورهای طرف تجارت ایران به منظور حفظ سطح درآمد و اشتغال در کشور خود با دادن جایزه صدور، صادرات خود را به ایران افزایش داده و در مقابل از ورود کالاهای ایرانی جلوگیری به عمل آوردند. نتیجه اثرات نامطلوب این سه عامل در طی سال ۱۳۰۸-۱۳۱۰ به صورت کسری تجاری سالانه به میزان ۲۶۵ میلیون قران برای ایران بود (رشیدی، ۱۳۸۶: ۱۵۷).

در نتیجه، ارزش کالاهای اصلی صادراتی ایران به شدت پایین آمد؛ برای مثال قالی‌ای که در سال ۱۳۰۵، ۲۷/۵۹ درصد کل صادرات و تریاک ۲۱/۶۲ درصد آن را تشکیل می‌داد، بر اثر این بحران به ترتیب به ۸/۹ و ۲/۹۹ درصد تنزل یافت. علاوه بر این کاهش قیمت نقره در بازارهای جهانی، کاهش تقاضای جهانی برای واردات مواد خام و افزایش هزینه‌های دولت، باعث شد دولت برای برون‌رفت از این بحران یک اقدام اساسی انجام دهد.

۱. سلطه اقتصادی روسیه بر بازرگانی خارجی و اقتصاد ایران

پس از انقلاب کمونیستی شوروی بسیاری از سرمایه‌داران ایرانی، که در این کشور صاحب سرمایه و تجارتخانه بودند، سرمایه خود را از دست دادند. از این افراد می‌توان به امین‌الضرب، حاج رحیم اتحادیه و تومانیانس اشاره کرد. ارزش اموال مصادره شده تجارتخانه تومانیانس در شوروی بیش از ۴۵ میلیون ریال بود (ترابی فارسانی، ۱۳۸۳: ۶۳ و ۷۴). (۱) بنا به یک گزارش از عشق‌آباد، قبل از انقلاب روسیه فقط در این شهر بیش از ۲۰۰ نفر تاجر معتبر ایرانی وجود داشت، اما پس از انقلاب و انحصار تجارت خارجی این کشور تا سال ۱۳۰۲، یک تاجر ایرانی که حداکثر ۱۰۰۰ تومان داشته باشد در این شهر وجود نداشت (روزنامه مرد آزاد. ش ۷۰، ۱۳۰۲: ۴) پس از ایجاد انحصار تجارت خارجی توسط دولت شوروی در سال ۱۹۲۰ نیز به تدریج سیطره بازرگانی روسیه بر اقتصاد ایران افزایش یافت و باعث ورشکستگی تاجر و کشاورزان ایرانی شد.

کنسول ایران در حاجی‌طرخان در گزارش خود به سفارت ایران در مسکو، خطرات افزایش سلطه اقتصادی روسیه بر بازرگانی ایران را یادآوری کرد. وی معتقد بود که تجارت با روسیه در نهایت به ورشکستگی تاجر شمالی ایران و محدود شدن کار آنها به واردات کالاهای شوروی منجر خواهد شد. برای جلوگیری از این کار وی پیشنهاد می‌کرد که باید در درجه اول تاجر ایرانی را از اقدامات شخصی برحذر داشت و بعد از آن دولت وارد عمل شود؛ زیرا «تا از طرف اولیای امور نقشه و پروگرامی به‌طور کلی برای تجارت با روسیه طرح نگردد، ممکن نیست در مقابل ادارات تجارتی دولت شوروی هیچ یک از تاجر داخله بتوانند بالانفراد مقاومت نمایند.» (طاهر

مهم‌ترین کالاهای کشاورزی ایران که در مقیاس زیاد به شوروی صادر می‌شد عبارت بود از: برنج، پنبه و خشکبار. به‌طور کلی بیش از ۹۰ درصد برنج و پنبه و ۸۰ درصد خشکبار ایران وارد این کشور می‌شد؛ از این رو با توجه به حجم بالای مبادلات ایران و روسیه پیش از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷، انحصار تجارت خارجی این کشور، شوک بزرگی به اقتصاد ایران وارد کرد؛ برای نمونه در زمینه تجارت خشکبار، از آنجا که روس‌ها خریدار اصلی خشکبار ایران بودند، خشکبار بزرگ‌ترین کالای صادراتی آذربایجان بود و همه‌ساله ثروت هنگفتی وارد این ایالت می‌شد. تجار و تولیدکنندگان از این مسئله سود زیادی می‌بردند و این امر باعث توسعه کشت بادام و انگور در این منطقه شده بود. اما بعد از جنگ، که تجارت روسیه به دست دولت افتاد، یک‌باره بازار خشکبار آذربایجان کساد شد و چون تجار این موضوع را پیش‌بینی نکرده بودند، اغلب ورشکست شدند (بهرامی، ۱۳۳۰: ۱۶۷).

طبق شکایات اتحادیه تجار شمال، تا سال ۱۳۰۵ میلیون‌ها تومان به آن‌ها خسارت وارد آمده و ۸۰ درصد تجار فدای تجاوزات روس‌ها شده بودند (اسنادی از انجمن‌های بلدی، تجار و اصناف، ۱۳۸۰: ۱۸۲). علاوه بر این، اتحادیه تجار همدان از نابرابری روابط تجاری ایران و روسیه شکایت داشت و معتقد بود همان‌گونه که روس‌ها مواد صادراتی ایران را محدود به اقلام معینی کرده‌اند، ایران نیز مقابله به مثل کند و در نهایت پیشنهاد کرد که چون شرکت‌های صادراتی در ایران تشکیل نشده و تجار ایرانی هم آگاهی کامل در فروش مال التجاره خود ندارند، لازم است تا دولت یک اداره مخصوصی به نام صادرات ایجاد نماید (همان، ۳۰۷ و ۳۷۸).

با این حال، برخلاف قراردادهایی که ایران با شوروی منعقد کرده بود، این کشور هیچ‌گاه به تعهدات خود پای‌بند نبود. قرارداد تجارت پایاپای ایران و شوروی در سال ۱۳۰۶ هرگز آن‌گونه که باید عملی نشد؛ زیرا مؤسسات شوروی از بازرگانان ایرانی وضعیت بهتری داشتند و به تجار ایرانی در برابر کالاهایی که به شوروی صادر می‌کردند، کالاهایی می‌دادند که در ایران بازار فروش نداشت (طاهر احمدی، ۱۳۸۴: ۱۱۸). در سال ۱۹۳۰ هم که بازرگانان ایرانی مقدار زیادی پنبه به روسیه صادر کرده بودند، روس‌ها قیمت‌هایی پیشنهاد کردند که کمتر از هزینه‌های تولید بود و زمانی که بازرگانان ایرانی به دلیل پایین بودن قیمت پیشنهادی می‌خواستند کالاهای خود را به

کشور دیگر صادر کنند، دولت شوروی اجازه ترانزیت به آن‌ها نداد و آنان مجبور شدند با همان قیمت کم، کالاهای خود را بفروشند. در مقابل، اتاق تجارت ایران خواستار ایجاد تشکیل سندیکایی شد که حقوق انحصاری تجارت با شوروی را داشته باشد (رشیدی، ۱۳۸۶: ۱۷۳). روزنامه انگلیسی گلاسگو هرالده در شماره ۱۷ مارس ۱۹۳۱ دربارۀ تأثیر سیاست‌های بازرگانی شوروی در تدوین این قانون نوشت:

تهدید ارزان‌فروشی و دامپینگ اجناس از طرف مؤسسات تجاری شوروی موجب وضع قانون انحصار تجارت خارجی ایران گردید و چون مدت قرارداد تجاری سال ۱۹۲۷ تمام شده بود و دولت روسیه نمی‌خواست آن را تمدید کند و اجناس ساخت شوروی هم مثل سیل وارد ایران می‌شد، دولت ایران ناچار شد که به این کار اقدام نماید (وحید مازندرانی، ۱۳۸۶: ۸۳).

صادرات برنج که صددرصد وابسته به بازار روسیه بود، در سال‌های ۱۳۱۰ بعد از پایان معاهده بازرگانی ایران با این کشور به شدت کاهش یافت و ارزش صادرات آن نسبت به کل صادرات ایران در سال ۱۳۰۶ که ۱۰/۴ درصد بود، به ترتیب در سال‌های ۱۳۱۰ تا ۱۳۱۲ به ۴/۷۵ و ۳/۱۵ و ۲/۹۶ درصد از کل صادرات تنزل یافت. در نتیجه همین تغییر سیاست‌های اقتصادی روسیه و به واسطه خرید انحصاری برنج توسط این کشور، کمیسیون اقتصادی ایران در سال ۱۳۱۰ پس از بررسی و گفت‌وگوهای زیاد، توسعه کشت برنج در گیلان را برای آینده اقتصادی ایران خطرناک تشخیص داد و در عوض پیشنهاد کرد تا محصولات دیگری مانند توتون، پنبه و کنف که تقاضای بیشتری در بازارهای خارجی داشت، مورد توجه قرار گیرد. (روزنامه اطلاعات، ۳۰ دی‌ماه ۱۳۱۰. ش ۱۵۷۴: ۱).

علاوه بر اینۀ برای مقابله با سلطۀ روسیه بر اقتصاد کشاورزی نواحی شمال و شمال غربی کشور راه‌های دیگری در نظر گرفته شد که یکی از آن‌ها توجه به محورهای ارتباطی غرب و جنوب ایران بود. در واقع، یکی از دلایل اصلی توجه به گسترش راه آهن در محور شمال- جنوب کشور مقابله با سلطۀ اقتصادی شوروی بود. حتی عنایت‌الله سمیعی، کفیل وزارت اقتصاد ملی، که تنها شخص مخالف قانون انحصار تجارت خارجی بود، معتقد بود که برای جلوگیری از آثار انحصار

تجارتی روسیه و مقابله با روند تجاری این کشور باید راه رواندوز و طرابوزان و مسیر تجاری خرم آباد - خرمشهر را توسعه داده و وسایل نقلیه ارزان و منظم در آن خطوط دایر کرد (معاونت خدمات مدیریت و اطلاع‌رسانی دفتر رئیس‌جمهور، ۱۳۸۰: ۱۴۳).

به هر حال، رکود اوایل دهه ۱۹۳۰ نیاز فوری را برای بازسازی ریشه‌ای اقتصاد پیش آورد. تا نیمه دهه ۱۹۳۰ دولت خودش را متعهد به سیاست متمرکز کردن دولتی توسعه اقتصادی و فرایند کنترل مرکزی انباشت کرده بود. این تغییر در سمت‌گیری سیاست‌های اقتصادی دولت بر اساس راهبرد بلندمدت نبود، بلکه ناشی از شرایط اجباری بود و رکود بزرگ اقتصادی دهه ۱۹۳۰ و به اجرا درآمدن اولین برنامه ۵ ساله در اتحاد شوروی که دسترسی بازرگانان ایران به بازارهای روسیه را در تنگنا قرار داد، مانند کاتالیزوری برای سمت دادن سیاست اقتصادی دولت ایران عمل کرد. (Moghadam, 1957: p.97)

اهداف و پیامدهای انحصار تجارت خارجی

۱. کسب درآمد برای دولت

دولت که از یک سو برای راه‌اندازی برخی از طرح‌های بزرگ اقتصادی نیاز به منابع مالی داشت و از سوی دیگر امکان دریافت وام‌های خارجی به دلایل مختلف ممکن نبود، تلاش می‌کرد تا ارزش مورد نیاز خود را از راه کنترل واردات و صادرات برخی از کالاها به دست آورد؛ بنابراین پیش از اجرای قانون انحصار تجارت خارجی، با برقراری عوارض و مالیات‌های غیر مستقیم کنترل صادرات و واردات برخی از کالاها مانند دخانیات و قند و شکر را به دست آورد. پس از ایجاد قانون انحصار نیز صادرات محصولات دیگر مانند کف پنبه، برنج، و غیره به کنترل دولت درآمد و این امر می‌توانست منبع درآمد خوبی برای دولت باشد؛ زیرا گرفتن مالیات‌های مستقیم در آن زمان از تجار و کسبه، مشکل و تقریباً غیر ممکن بود، این قانون به دولت اجازه می‌داد تا با ایجاد شرکت‌های بزرگ سهامی در مرکز و شهرستان‌ها، تشکیلات بزرگ بازرگانی را تقویت کند و ضمن توسعه فعالیت‌های مدرن تجاری، مالیات خود را با سهولت بیشتری اخذ نماید (معتدی، ۱۳۵۰: ۶۵-۶۶).

با انحصاری شدن واردات کالاهای ضروری مانند قند و شکر، علاوه بر اینکه درآمد کلانی نصیب دولت شد و عوارض قند و شکر منبع اصلی تأمین هزینه‌های راه‌آهن گردید، این عمل از نوسان قیمت کالاهای وارداتی در کشور جلوگیری می‌کرد و حتی در بعضی موارد باعث پایین آمدن قیمت برخی از کالاها مانند پارچه و قند شد؛ برای مثال با تشکیل شرکت‌های سهامی توزیع قند و شکر در سال ۱۳۱۴، ارزش هر باتمان شکر از ۲۰ ریال به حدود ۱۴ ریال کاهش یافت (Burrell, 1997: 183).

۲. کنترل واردات کالاهای غیر ضروری و جلوگیری از پایین آمدن ارزش پول

یکی دیگر از اهداف انحصار تجارت خارجی کنترل واردات و جلوگیری از پایین آمدن ارزش پول و حفظ تعادل بین واردات و صادرات بود. کنترل واردات ضمن ایجاد درآمد برای دولت باعث جلوگیری از پایین آمدن ارزش پول کشور می‌شد و از پیامدهای بحران اقتصادی جهان در ایران پیشگیری می‌کرد یا دست کم باعث کاهش اثرات آن می‌شد. برای رسیدن به این هدف در سال ۱۳۱۰ اداره کل تجارت به وجود آمد که یکی از وظایف اصلی آن، ایجاد تعادل در واردات و صادرات بود. طبق قانون انحصار تجارت خارجی، برای ایجاد موازنه بازرگانی، ثبات اقتصادی و حفظ ارزش پول، واردات هر نوع کالا به ایران مشروط به صادر کردن کالای ایرانی بود و ورود بعضی از کالاهایی که نیاز عمومی به آن‌ها نبود، ممنوع شد، اما ماشین‌آلات و کالاهایی که برای صنعتی کردن و عمران کشور شدیداً مورد احتیاج بود، می‌توانست با معافیت گمرکی وارد شود. این اقدام مانع صدور بی‌جهت ارز از کشور می‌شد و دولت با در نظر گرفتن ارزهای حاصل از صادرات می‌توانست نیازهای کشور را اولویت‌بندی نموده و بر اساس آن تقاضای ورود کالا را قبول یا رد نماید.

بعد از اجرای قانون انحصار تجارت خارجی میزان واردات برخی از مصنوعات وارداتی کاهش یافت؛ یا به کلی واردات آن‌ها حذف شد. برخی از اقلام وارداتی مانند قند و شکر، چای، آب‌های معدنی، نوشابه‌ها و پاجه‌های پنبه‌ای و ابریشمی کم شد و واردات زغال سنگ، نخ، طناب، اشیاء چرمی، صابون، توتون و بسیاری دیگر از اشیاء حذف، یا بسیار محدود شد. بخش مهمی از واردات

خارجی که در سال ۱۳۰۸ بهای آن‌ها بیش از ۳۵۱ میلیون ریال بود، در سال ۱۳۱۳ به ۲۰۰ میلیون ریال کاهش یافت (وحید مازندرانی، ۱۳۱۶: ۱۳۰-۱۳۱).

این قانون با حمایت از تولید داخلی و جلوگیری از واردات بی‌رویه کالا، باعث شد تا بین صادرات و واردات تعادل برقرار شده و کسری تراز بازرگانی ایران جبران شود. علاوه بر این، بین صادرات و واردات محصولات کشاورزی در مرزهای شمالی و جنوبی ایران تعادل به وجود آورد. این اقدام باعث شد تا بسیاری از تولیدات کشاورزی کم‌اهمیت مانند زرشک، زیره، تخم کدو جزو اقلام صادراتی ایران شود و در عوض واردات محصولاتی مانند آرد، حبوبات، سبزیجات و مینی در مرزهای جنوبی ممنوع شد (روزنامه اطلاعات، ۷ شهریور ۱۳۱۰، ش ۱۴۰۲: ۱).

در نتیجه انحصار دولتی، تراز بازرگانی ایران (بدون در نظر گرفتن صادرات نفت و شیلات شمال) که تا این زمان منفی بود، مثبت شد و ارزش صادرات غیر نفتی در سال ۱۳۱۰ برای اولین بار در قرن بیستم، بیش از ارزش کلی واردات بود که این مسئله کار کنترل دولت را در ظاهر تأیید می‌کند (باریر، ۱۳۶۳: ۱۲۹). دولت که در سال ۱۳۱۰ بر یک سوم واردات و ۵۰ درصد صادرات کنترل داشت، به وسیله انحصار تجارت خارجی تا سال ۱۳۱۴ توانست تقریباً نزدیک ۷۴ درصد صادرات و ۴۵ درصد واردات کشور را زیر نظر بگیرد.

در سیستم جدید انحصارات البته دولت به طور کامل جایگزین افراد بازرگان نشد، بلکه با استقرار نوعی نظام مجوزهای صادراتی حجم و برای تجارت آنان را کنترل می‌کرد. این کار ضمن حفظ توازن صادرات و واردات کشور و تثبیت پول رایج کشور، باعث افزایش قدرت داد و ستد در برابر روسیه، تشویق و توسعه صادرات و حمایت از صنایع نوپای داخلی می‌شد. پس از این دولت برای تأمین نیازهای داخلی و یافتن بازارهای ثابت برای فروش محصولات کشاورزی به معاملات پایاپای با کشورهای آلمان و شوروی روی آورد. روی آوردن دولت به این شیوه از معاملات بازرگانی نتیجه سیاست منطقی دخالت دولت در اقتصاد و تجارت خارجی بود؛ زیرا در نتیجه آن راحت‌تر می‌توانست بر تجارت خارجی اعمال کنترل کند.

به طور کلی، عواملی که در انجام معاملات پایاپای و انحصار تجارت خارجی نقش داشت، عبارت بودند از: ۱. ضرورت اتخاذ شیوه‌ای مبتنی برای کنترل و نظارت بر روابط تجاری یکپارچه شوری؛

۲. حمایت از صنایع داخلی که پس از بحران اقتصادی ۱۹۳۰ بسیاری از کشورها به آن روی آوردند؛

۳. یافتن بازار مناسب برای صادرات محصولات کشاورزی که در نتیجه قراردادهای دوجانبه می‌توانست حجم معینی از صادرات کشاورزی را برای مدت مشخص تضمین نماید (زرگر، ۱۳۷۲: ۳۴۷).

یکی از عوامل کنترل صادرات برخی از محصولات کشاورزی، قراردادهای پایاپای با کشورهای روسیه و آلمان بود که طبق آن متعهد شده بود تا در برابر واردات کالاهای مورد نیاز کشور مقدار معینی کالاهای خام کشاورزی به این کشورها صادر کند، اما چون جمع‌آوری و تحویل کالاهای تعهد شده توسط بخش خصوصی امکان‌پذیر نبود، دولت تلاش کرد با تشکیل شرکت‌های سهامی انحصاری، کالاهای صادراتی را جمع‌آوری کرده و به طرف‌های قرارداد تحویل دهد. البته علی‌اکبر داور، وزیر مالیه و بنیان‌گذار شرکت‌های سهامی دولتی، از معایب دخالت دولت در امور بازرگانی و مسائل اقتصادی آگاه بود، اما معتقد بود که چون مردم در اجرای کارهای تشکیلاتی آشنایی ندارند، یکی از وظایف دولت یاد دادن آن به مردم است؛ بنابراین وی معتقد بود برای جلوگیری از اتلاف وقت، دولت کارها را شروع نموده و همین که راه افتاد، به مردم تحویل داده و راهنمایی کند (وکیلی، ۱۳۴۳: ۹۵-۹۶).

۳. توسعه صادرات کشاورزی

یکی از اهداف برنامه انحصار، توسعه صادرات محصولات کشاورزی به منظور تأمین هزینه‌های دولت بود. برای رسیدن به این منظور توسعه کشت محصولاتی مانند پنبه و توتون از طریق شرکت‌های سهامی مورد توجه قرار گرفت و بسیاری از مؤسسات و شرکت‌های سهامی کشاورزی تشکیل شد.

هدف اساسی از قانون انحصار تجارت خارجی این بود که ایران بتواند در بازارهای خارجی بهتر رقابت نموده و کالاهای صادراتی کشاورزی خود را با مدیریت بهتر به فروش برساند. با این هدف، کالاهای اساسی صادراتی ایران با وجود رقبای جدید در بازارهای بین‌المللی توانست موقعیت خود را حفظ نموده و حتی در بسیاری از موارد با ایجاد معاهدات پایاپای به بازارهای دوردست‌تر که تا آن زمان برای بازرگانان ایرانی کمتر شناخته شده بود، دست یابد.

با کنترل تجارت نه تنها افزایش چشمگیری در کمیت صادرات به وجود آمد، کیفیت برخی از کالاهای صادراتی ایران نیز تا حدی بهبود یافت. تا سال ۱۳۱۴، صادرات غیر نفتی ایران، روی هم رفته ۲۵۰ تا ۳۰۰ هزار تن افزایش یافت که نسبت به سال ۱۳۱۱ از لحاظ وزن ۶۸ درصد و از لحاظ ارزش ۳۰ درصد افزایش یافته است. این در حالی بود که به دلیل راه‌اندازی کارخانجات جدید در این سال‌ها مصرف داخلی مواد خام کشاورزی در داخل نیز افزایش یافته بود. تناسب افزایش میزان صادرات و قیمت آن در سال‌های پس از ایجاد انحصار در جدول زیر نشان داده شده است.

سال اقتصادی	از حیث وزن		از حیث قیمت	
	هزار تن	شاخص	میلیون ریال	شاخص
۱۳۱۱	۱۵۱	۱۰۰	۵۲۲	۱۰۰
۱۳۱۲	۱۴۲	۹۴	۴۶۶	۸۹
۱۳۱۳	۱۹۹	۱۳۲	۵۱۳	۹۹
۱۳۱۴	۲۴۷	۱۶۸	۶۴۶	۱۲۳
۱۳۱۵	---	----	۶۷۹	۱۳۰

منبع: (وزارت تجارت. اداره عهود و اطلاعات. تجارت خارجی ایران در سال‌های اقتصادی ۱۳۱۴-۱۳۱۵ و ۱۳۱۵-۱۳۱۶. ج ۲. تهران: شرکت سهامی)

صادرات برخی از محصولات کشاورزی در نتیجه انحصار تجارت خارجی در سال‌های اول این قانون افزایش چشمگیری داشت؛ برای مثال صادرات پنبه با وجود افزایش مصرف داخلی و احداث کارخانه‌های جدید نخ‌ریسی، از ۲۶ هزار تن در سال ۱۳۱۱ به ۳۷ هزار تن در سال ۱۳۱۵

افزایش یافت که حدوداً ۳۰ درصد رشد داشته است. ارزش صادرات پنبه در سال ۱۳۱۱ حدود ۴۴ میلیون ریال بود. این رقم در سال ۱۳۱۲ به ۷۹ میلیون ریال رسید که بیش از ۳۵ میلیون ریال افزایش داشته است. در همین زمان ظرفیت تولید کارخانه‌های ریسندگی پنبه به ۹ هزار تن نخ در سال رسید. توسعه کشت پنبه موجب افزایش صادرات این محصول و توسعه بازارهای عرضه آن به غیر از روسیه شد. بر اساس ارقام شرکت ایرانی - روسی پرسخلوپوک، مساحت پنبه کاری ایران در سال ۱۳۱۰ نسبت به سال ۱۳۰۹، ۱۵ درصد افزایش یافت و مجموع اراضی زیر کشت پنبه به ۱۰۰ هزار هکتار رسید (روزنامه اطلاعات، ۱۱ خرداد ۱۳۱۰. ش، ۱۳۳۰: ۳) در سال‌های بعد نیز بر سطح کشت این محصول افزوده شد و تا سال ۱۳۱۴ به بیشترین میزان یعنی حدود ۲۰۰ هزار هکتار رسید (میر حیدر، ۱۳۵۵: ۱۶۳).

علاوه بر توسعه صادرات برخی از اقلام کشاورزی، در کشورها طرف‌های قرارداد ایران نیز تغییراتی به وجود آمد. صادرات پنبه ایران به آلمان در سال ۱۳۱۰ تنها حدود ۵۰ هزار ریال بود و کشور ژاپن هم تقریباً از این محصول هیچ سهمی نداشت، اما در سال ۱۳۱۲ صادرات پنبه ایران به آلمان به ۳۱ میلیون ریال و صادرات ایران به ژاپن به ۱۲ میلیون ریال رسید. در صورتی که تجارت پنبه ایران با شوروی که در سال‌های پیش، بیش از ۱۰۰ میلیون ریال بود با رکود تجاری بین دو کشور تا حد زیادی کاهش یافت (وحید مازندرانی، ۱۳۱۶: ۱۱۶)؛ به این ترتیب، بازارهای جدیدی مانند آلمان، ژاپن و اروپای شرقی بر روی محصولات ایران گشوده شد؛ به گونه‌ای که از سال ۱۳۱۶ تا ۱۳۲۰ حدود ۵۶/۴۶ درصد پنبه ایران به آلمان صادر می‌شد. به طور کلی، در سال ۱۳۱۷ و ۱۳۱۸ که صادرات بیشتر محصولات کشاورزی مانند پنبه، پشم، پوست، روده، خشکبار و گندم به روسیه قطع شد، کشور آلمان و ژاپن محل مناسبی برای عرضه محصولات ایران بود (مجله بانک ملی ایران، ش ۱۳، ۱۳۱۶: ۲۶-۲۹؛ اداره کل گمرک، ۱۳۲۳). در جدول زیر تغییر الگوی تجاری ایران در زمینه پنبه و افزایش سهم ژاپن و آلمان در صادرات ایران دیده می‌شود.

سال	کل صادرات (وزن برحسب تن)	شوروی		آلمان		ژاپن	
		وزن (تن)	درصد	وزن (تن)	درصد	وزن (تن)	درصد
۱۳۰۸	۱۴۴۹۸/۴	۱۴۲۲۵/۷	/۹۸	---	---	---	---
۱۳۰۹	۱۰۱۱۳/۷	۹۹۰۸/۸	/۹۸	---	---	---	---
۱۳۱۰	---	---	---	۶۸/۳	/۴	---	---
۱۳۱۱	۱۵۱۳۰	۹۴۹۰	/۶۳	۲۲۳۰	/۱۵	۳۴	/۰۲
۱۳۱۲	۲۷۰۶۸	۹۸۴۰	/۳۶	۱۰۳۳۰	/۳۸	۳۸۷۰	/۱۴
۱۳۱۳	۲۶۸۲۰	۱۹۸۲۰	/۷۴	۳۶۵۰	/۱۴	۱۲۲۰	/۵
۱۳۱۴	۱۶۷۴۴	۱۳۹۹۰	/۸۳	۲۰۴۰	/۱۲	۱۹	/۰۱
۱۳۱۵	۱۸۱۰۵	۱۸۰۳۱	/۹۹	---	---	---	---
۱۳۱۶	۱۹۷۶۴	۱۸۲۰۰	/۹۲	۱۵۶۱	/۸	---	---
۱۳۱۷	۱۰۳۲۶	---	---	۷۶۲۸	/۷۴	۲۶۹۴	/۲۶
۱۳۱۸	۲۰۹۹۲	---	---	۹۵۴۲	/۴۵	۸۷۵۱	/۴۲
۱۳۱۹	۱۹۸۳۶	۵۷۶۱	/۲۹	۱۱۳۶۹	/۵۷	---	---
۱۳۲۰	۴۷۳۵	۶۲۵	/۱۳	۳۹۵۲	/۸۵	---	---

منبع: (مجله بانک ملی ایران. ش ۱۳، تیر ۱۳۱۶: ۲۶-۲۷؛ اداره کل گمرک. آمار بازرگانی ایران با کشورهای خارجه در سال ۱۳۲۵: ۲۵)

در جدول زیر ارزش صادرات خشکبار قبل و بعد از انحصار تجارت خارجی و تغییر هم طرف‌های تجاری ایران نشان داده شده است (ارزش به میلیون ریال).

منبع: (غلامعلی وحید مازندرانی. ۱۳۱۶: ۱۱۸-۱۱۹)

پروژه کتابخانه ملی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

سال	روسیه	آلمان	انگلستان	عراق	هند انگلیس	جمع
۱۳۰۵	۱۲/۵	---	۱/۵	۶/۵	۹	۲۹/۵
۱۳۰۶	۳۰	---	۵/۵	۴	۱۱	۴۵/۵۵
۱۳۰۷	۲۲	۱/۷۶	۲	۲	۱۰/۵	۳۷/۲۶
۱۳۰۸	۱۸	۳	۲	۲/۲	۱۰/۵	۳۵/۷
۱۳۰۹	۱۴/۵	۱۵	۱۰	۳	۱۸/۵	۶۱
۱۳۱۰	۲۶/۷۲	۴۸	۵	۵/۴	۲۲/۷	۱۰۷/۸۲
۱۳۱۱	۲	۱۹	۶/۸	۳/۵	۲۰/۷	۵۲
۱۳۱۲	۱/۲۵	۶/۲	۲/۳	۳/۴	۲۴	۳۶/۱۵
۱۳۱۳	۹/۵	۱۰	۴/۶	۲/۸	۲۴	۵۰/۹
۱۳۱۴	۱۵	۱۷/۵	۲۱	۳/۲	۲۵/۵	۸۲/۲

۴. توسعه صنایع

بحران اقتصادی ۱۹۳۰ تغییرات جدیدی در الگوی روابط اقتصادی میان کشورهای پیرامونی تولیدکننده مواد خام و کشورهای صنعتی هسته سرمایه‌داری به وجود آورد. بسیاری از کشورهای تولیدکننده مواد خام که مصرف‌کننده مواد ساخته شده بودند، به دلیل افزایش قیمت کالاهای صنعتی و کاهش قیمت مواد خام، به سیاست صنعتی‌سازی جایگزین واردات روی آوردند؛ برای نمونه بسیاری از کشورهای واردکننده قند مانند ایران، ترکیه، اسپانیا و کشورهای اروپای شرقی مانند لتونی و لیتوانی، به سرعت به ایجاد صنایع قندسازی روی آوردند و در عوض، کشورهای تولیدکننده نیشکر مانند کوبا و اندونزی و... تولیدات خود را تا نصف کاهش دادند که در نتیجه این تحولات بسیاری از صنایع قندسازی هلند و رشکست شد. (مجله مدرسه عالی فلاحت کرج، ش ۹، آبان ۱۳۱۳: ۱۰-۳). در مورد صنایع نساجی هم وضع به این صورت بود. بسیاری از کشورهای پیرامونی صادرکننده پنبه مانند ایران، مصر، ترکیه، یونان، بلغارستان و چین که در عین حال واردکننده منسوجات بودند، به سیاست صنعتی کردن جایگزین واردات روی آورده و صنایع

بافندگی خود را به سرعت گسترش دادند. بسیاری از این کشورها مانند مصر برای حمایت از صنایع خود تعرفه‌های گمرکی را تا ۴۰ درصد افزایش دادند (مجله بانک ملی ایران. ش ۱۶، مهر ۱۳۱۶: ۲۴-۲۹).

به هر حال، هدف از ناسیونالیسم اقتصادی در این دوره کاهش وابستگی به بازارهای بی‌ثبات جهانی و محصولات خام بود. برای رسیدن به این هدف دولت‌ها می‌کوشیدند تولید محصولات کشاورزی را تنوع بخشیده و بخش‌های صنعتی خود را گسترش دهند (تاپتون و آلدریچ، ۱۳۷۵: ۳۰۱). در ایران نیز همانند بسیاری از کشورهای صادرکننده مواد خام، سیاست صنعتی‌سازی جایگزین واردات مورد توجه قرار گرفت.

بر اساس این سیاست، توسعه صنایع قند و ریسندگی در اولویت قرار گرفت؛ زیرا اولاً بازار پرمصرف داخلی برای این کالاها وجود داشت و دوم اینکه با ایجاد این صنایع سالانه از خروج میلیون‌ها ریال سرمایه کشور برای واردات این کالاها جلوگیری می‌شد و گذشته از آن توسعه این صنایع می‌توانست به توسعه کشاورزی کمک کند (زاهدی، ۱۳۴۲: ۳۸-۴۱). بر اساس آمار موجود، واردات قند و شکر و کالاهای پنبه‌ای بیشترین حجم واردات را به خود اختصاص می‌داد. تا سال ۱۳۰۵ کالاهای پنبه‌ای در رأس واردات ایران قرار داشت و سالانه بالغ بر ۲۰۰ میلیون قران بود؛ در حالی که صادرات پنبه ایران به علت رکود بازارهای خارجی پس از جنگ، تنها کمتر از نصف این رقم را پوشش می‌داد (Fateh, 1926: 23). در سال‌های بعد تا هنگام بحران سال ۱۳۰۹ اگرچه بهبودی در توسعه صادرات پنبه به وجود آمد، واردات کالاهای پنبه‌ای و نخ پنبه همچنان افزایش می‌یافت و مبلغ کلانی از واردات ایران را تشکیل می‌داد؛ بنابراین صنعتی‌سازی جایگزین واردات در آن زمان منطقی‌ترین پاسخ به این مسئله دانسته می‌شد.

یکی از دلایل انحصار تجارت خارجی و دولتی شدن بعضی از صنایع و کارخانه‌ها، ناتوانی رقابت میان شرکت‌های تولیدی ایران در مقابل تولیدات مشابه خارجی بود. این امر بیشتر ناشی از فقدان حمایت گمرکی و سیاست گمرکی تبعیض‌آمیز کشورهای بزرگ طرف تجاری ایران یعنی روسیه و انگلستان بود. بسیاری از کارخانه‌هایی که با زحمت فراوان تأسیس شده بود، با سیاست دامپینگ روسیه، ورشکست شده و از بین رفتند. از جمله این مؤسسات می‌توان کارخانه قند

کهریزک، کارخانه ریسمانبافی ناصرالملک، کمپانی بلورسازی ایران و کارخانه چینی سازی و ابریشم تابی امین الضرب و کارخانه کبریت سازی تبریز اشاره کرد. به طور کلی، از مجموع ۱۴ کارخانه‌ای که توسط افراد خصوصی تأسیس شده بود، تا سال ۱۳۰۴ فقط ۵ مورد باقی مانده بود که سخت نیازمند حمایت دولت بودند (سازمان اسناد ملی، سند ش ۱۹۷۰۲ / ۲۴۰۰).

تا هنگام تدوین قانون انحصار تجارت خارجی، فقط ۶۰ کارخانه و مؤسسه صنعتی دولتی تأسیس شده بود که فعالیت اقتصادی آن‌ها بسیار محدود بود؛ در صورتی که پس اجرای این قانون تا سال ۱۳۱۶ بیش از ۳۰ کارخانه بزرگ دولتی و حدود ۳۰۰ کارخانه و مؤسسه صنعتی غیر دولتی تأسیس گردید. کارخانه‌های بزرگ قند، سیمان، حریربافی و چیت‌سازی از طرف دولت و کارخانه‌های سبک‌تر نخ‌ریسی، گونی‌بافی، چرم‌سازی، صابون‌سازی، مشروبات و غیره توسط اشخاص و شرکت‌های غیر دولتی تأسیس شد. از مجموع ۱۰۱ کارخانه پنبه‌پاک‌کنی که تا سال ۱۳۱۶ تأسیس شد، ۵۲ مورد آن متعلق به افراد خصوصی و بقیه آن به شرکت‌های سهامی مختلف مانند؛ شرکت جین خراسان، شرکت جین فارس، شرکت میهن، شرکت پنبه‌پاک‌کنی آسیابک، شرکت سهامی ریسندگی و بافندگی اصفهان تعلق داشت (مجله بانک ملی ایران. ش ۱۷، ۱۳۱۶).

سیموندز، کنسول انگلستان در گزارش خود به سال ۱۳۱۴ می‌نویسد: از زمان انحصار تجارت خارجی در سال ۱۳۱۰ تا کنون تغییرات چشمگیری در توسعه صنعتی ایران صورت گرفته است. به نظر او علت این تغییر در نتیجه ابداع قانون انحصار تجارت خارجی بود و در غیر این صورت به دلیل رقابت با کالاهای وارداتی این صنایع نمی‌توانست ادامه حیات دهد (Simmonds, 1935: 28). روزنامه شرق نزدیک نیز، برخلاف انتقادات اولیه از قانون انحصار تجارت خارجی ایران، در شماره نوامبر ۱۹۳۵ و بر اساس گزارش‌های مأمورین وابسته به وزارت تجارت انگلستان، به تمجید از ترقی تجارت، کشاورزی و صنایع ایران پرداخت و درباره پیامدهای مثبت این قانون نوشت: «با آنکه پنج سال از عمر قانون انحصار تجارت ایران نگذشته است، از نتایج این قانون کشور ایران در امور اقتصادی به پیشرفت‌های بزرگی نائل شده و تغییرات مهمی در تجارت و زندگی اقتصادی آن پدید آمده است.» (وحید مازندرانی، ۱۳۱۶: ۸۴).

هدف دولت از قانون انحصار تجارت، تأسیس صنایعی بود که هم در داخل به آن‌ها نیاز شدیدی بود و هم به دلیل وجود منابع خام داخلی امکان تولید آن‌ها بیشتر و باصرفه‌تر بود. بر این اساس، صنایع ریسندهی و بافندگی و قندسازی به دلیل گستردگی نیاز داخلی و وجود مواد خام داخلی در اولویت قرار گرفت؛ زیرا وجود مقادیر زیاد پنبه خام در داخل کشور توسعه کارخانه‌های نخ‌ریسی و بافندگی در کشور را تأیید می‌کرد. به ویژه اینکه کالاهای پنبه‌ای مهم‌ترین کالای وارداتی ایران را تشکیل می‌داد (Simmonds, 1935: 28). با این سیاست، تا سال ۱۳۱۶، ۲۲ کارخانه ریسندهی و بافندگی در شهرهای مختلف تأسیس شد. در سال ۱۳۱۶ کارخانه ریسندهی و حریربافی چالوس تأسیس شد و برای حمایت از این صنعت ورود پارچه‌های ابریشمی ممنوع شد. در سال ۱۳۱۱ نیز دو کارخانه گونی‌بافی در رشت و شاهی تأسیس شد که در نتیجه آن واردات کالاهایی مانند گونی، ساک، کیسه، و انواع نخ و طناب ممنوع شد. صنایع قند نیز بعد از صنایع ریسندهی مورد توجه قرار گرفت و تا ۶ سال پس از اجرای قانون انحصار ۸ کارخانه قند در کشور تأسیس شد که در نتیجه آن ضمن توسعه کشت چغندر در ایران، از واردات قند تا حد زیادی کاسته شد.

به اعتقاد باریر، مقررات قانون انحصار تجارت خارجی باعث منع فعالیت‌های صنعتی بخش خصوصی شد و این عمل موجب گردید تا نرخ رشد تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی در دهه ۱۳۱۰ از دوره‌های بعد کمتر باشد (باریر، ۱۳۶۳: ۷۳-۷۴)، اما با وجود این ادعا هیچ محدودیتی برای فعالیت‌های صنعتی بخش خصوصی وجود نداشت و در عوض، کنترل واردات کالاهای مصرفی و معافیت‌های گمرکی برای واردات ماشین‌آلات صنعتی انگیزه بخش خصوصی را برای سرمایه‌گذاری صنعتی بیشتر می‌کرد و در واقع، شرکت‌ها و صنایع بخش خصوصی نیز هم‌پای صنایع دولتی برخلاف یک دهه پیش، رشد خوبی داشتند.

محمدرضا خلیلی‌خو نیز با بیانی متناقض به انتقاد از برنامه انحصار تجارت خارجی پرداخته و آن را مغایر با سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در صنعت دانسته است. وی در این مورد می‌نویسد: کنترل دولت بر اقتصاد باعث شد تا سرمایه‌های خصوصی که هنوز رشد چندان‌ی پیدا نکرده بود، به

سمت سرمایه‌گذاری در عرصه صنعتی هدایت نشود و موجب هدایت سرمایه‌ها به بخش زمین و رباخواری گردید (۱۳۷۳: ۱۸۶ و ۱۸۹).

بر خلاف این مدعا هیچ دلیلی وجود ندارد که گفته شود در صورت دخالت نداشتن دولت در بازرگانی خارجی، بی‌شک بازرگانان کم سرمایه، سرمایه خود را در فعالیت‌های صنعتی به کار می‌گرفتند؛ بنابراین، انحصار تجارت خارجی نمی‌توانست مانع سرمایه‌گذاری صنعتی بازرگانان باشد؛ زیرا پیش از این نیز که محدودیتی در تجارت وجود نداشت، بازرگانان همچنان بخش عمده‌ای از سرمایه‌های خود را به جای فعالیت صنعتی به خرید زمین‌های کشاورزی اختصاص می‌دادند.

برخلاف انتقاداتی که گفته شد، انحصار تجارت خارجی و مقرات جدید گمرکی ضمن از بین بردن محدودیت‌های گذشته، زمینه مساعدتری برای توسعه صنایع داخلی به وجود آورد و منافع اقتصادی صاحبان صنایع دولتی، خصوصی و سهام‌داران شرکت‌های تولیدی را به خوبی تضمین می‌کرد.

طبق محاسبات بانک ملی ایران، میانگین درصد سود تقسیم شده شرکت‌های سهامی ایران از سال ۱۳۱۰ تا ۱۳۱۶ نسبت به سرمایه پرداخت شده این شرکت‌ها ۲۷ درصد بوده است. در حالی که میانگین درصد سود تقسیم شده شرکت‌های بلژیک، انگلستان و فرانسه در طی همین مدت به ترتیب ۵۱/۵، ۶/۶ و ۱۰/۶۶ درصد بوده است. طبق این محاسبات، میانگین درصد سود شرکت‌های تجاری ایران نسبت به سرمایه پرداخت شده آن‌ها طی این دوره ۳۴/۵ درصد، شرکت‌های صنعتی ۲۲/۳ درصد و برای شرکت‌های سهامی ریسندگی و بافندگی ۲۷/۸ درصد و شرکت‌های سهامی قند و شکر ۲۴ درصد بوده است (مجله بانک ملی ایران، ش ۳۲، ۱۳۱۷: ۸۶۴ و ۸۶۵). با توجه به اقدامات حمایتی دولت از صنایع، سود کارخانجات نخ‌ریسی پنبه تا سال ۱۳۱۶ از کارخانه‌های نخ‌ریسی در حدود ۴۰ تا ۵۰ درصد بوده است (مجله بانک ملی ایران، ش ۱۷، آبان ۱۳۱۶: ۵۹)؛ بنابراین بدون حمایت دولت و انحصار تجارت خارجی و رقابت با محصولات مشابه خارجی، وجود چنین سودهایی برای شرکت‌های داخلی امکان‌پذیر نبود.

توسعه شرکت‌های تجاری و صنعتی و محدود شدن فعالیت بازرگانان سنتی

تا پیش از انحصار تجارت خارجی بازرگانان ایرانی بیشتر دلال و واسطه فروش محصولات خارجی بودند و البته از این راه سودهای کلانی به دست می‌آوردند (ترابی فارسانی، ۱۳۸۳: ۵۳ و ۶۴). گویا درآمد و سود بازرگانانی که واسطه میان تولیدکنندگان خارجی و مصرف‌کنندگان داخلی بودند، بیشتر از آن دسته از شرکت‌های تجاری بود که تنها در عرصه خرید و فروش محصولات داخلی فعالیت می‌کردند. بنابراین دسته اول در ایران نفوذ زیادی به دست آورده و درآمد خود را به خرید زمین اختصاص می‌دادند (سلطانزاده، ۱۳۸۳: ۴۴). آن‌ها به طور سنتی ارتباط کمتری با تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان داشتند و کالاهای خود را با چند واسطه از تولیدکنندگان می‌خریدند. علاوه بر این، بسیاری از تجار ایرانی برای دست‌یابی به سودهای کلان و آنی به تقلب و دست‌کاری در محصولات صادراتی می‌پرداختند؛ یا بدون در نظر گرفتن سلیقه مشتریان اسلوب باربندی و درجه‌بندی محصولات را رعایت نمی‌کردند. در نتیجه، بسیاری از کالاهای کشاورزی و صنعت فرس ایران در رقابت با محصولات مشابه کشورهای دیگر، بازار خود را از دست داده بود (ا. اچ گلیدو، ۱۳۷۶: ۱۰۶؛ مجله تجارت، سال ۱۳۰۷: ش ۱، ۶-۹)؛ بنابراین یکی از اهداف قانون انحصار تغییر این وضع و بهبود کیفیت صادرات ایران بود.

با این حال، انحصار بازرگانی خارجی و ارز به زیان طبقه بازرگان سنتی بازار و به سود شرکت‌های بازرگانی بزرگی بود که بیشتر در تهران فعالیت داشتند و از روابط با دولت سود می‌بردند. بازرگانان خرده‌پا به ویژه در استان‌ها، به این دلیل که نمی‌توانستند پروانه صادرات و واردات بگیرند، به ناچار از صحنه کنار گذاشته شدند (فوران، ۱۳۸۳: ۳۵۴)؛ زیرا با توجه به مقررات قانون انحصار، تنها به افراد و مؤسساتی پروانه صادرات برخی از کالاها داده می‌شد که اصول باربندی و طبقه‌بندی محصول را مطابق نظر اداره بازرگانی انجام می‌دادند و علاوه بر این، سرمایه خوبی داشتند؛ برای نمونه برای صادرات خشکبار و پشم تنها به شرکت‌هایی که بیش از ۷۰۰ هزار ریال سرمایه داشتند مجوز داده می‌شد.

قانون انحصار، تنها به ضرر آن دسته از بازرگانانی بود که دلال و واسطه فروش محصولات خارجی در ایران بودند یا به دلیل نداشتن دانش و اطلاعات نمی‌توانستند خود را با این شرایط

جدید تطبیق دهند؛ در نتیجه، به تدریج از میدان به در رفتند. از طرف دیگر، قانون مذکور ضرورت تجمع سرمایه‌های اندک افراد و تشکیل شرکت‌های سهامی را به وجود می‌آورد. در نتیجه این قانون، میزان شرکت‌های صنعتی، تجاری و فلاحی افزایش یافت؛ به ویژه در سال ۱۳۱۴ سرمایه این شرکت‌ها دوبرابر شد. تعداد شرکت‌های موجود در پایان هر سال و میزان سرمایه آن‌ها در جدول زیر نشان داده شده است.

سال	۱۳۱۰	۱۳۱۱	۱۳۱۲	۱۳۱۳	۱۳۱۴	۱۳۱۵	۱۳۱۶	۱۳۱۷
تعداد شرکت‌های موجود در آخر سال	۹۳	۳۲۶	۶۴۱	۷۴۸	۸۸۱	۱۱۸۲	۱۳۹۴	۱۵۷۸
سرمایه به میلیون ریال	۱۴۳	۲۳۱/۲	۳۵۳/۷	۴۶۷/۴	۸۴۶	۱۴۹۱/۳	۱۳۶۴/۲	۱۵۲۸/۸

منبع: (مجله بانک ملی ایران، ش ۳۳، ۱۳۱۷: ۹۴۱)

نتیجه‌گیری

انحصار تجارت خارجی و سیاست دخالت دولت در اقتصاد در دهه ۱۳۱۰، به دلیل گرایش‌های شخص رضاشاه در وابستگی به یک کشور و ایدئولوژی خاص نبود، بلکه ناشی از پیامدهای بحران اقتصادی سال ۱۹۳۰ و شرایط حاکم بر اقتصاد سیاسی کشورهای جهان و نیازهای داخلی بود. روند دخالت دولت در اقتصاد معلول رشد احساسات ناسیونالیستی از چند دهه پیش و انتظارات فزاینده طیف‌های مختلف جامعه از دولت بود. در نتیجه، خود رضاشاه و هیئت دولت هم تا حدی مجری این احساسات و انتظارات بودند. برنامه‌ریزی‌های اقتصادی جدید با کاستی‌های زیادی که داشت، نخستین تجربه، آزمایش و خطای دولت مدرن بود و نمی‌توان آن را محصول نگرش یک فرد دانست. ناسیونالیسم پرحرارت ایرانی هر چند در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی جدید درون‌مایه‌ای وزین از اندیشه‌های اقتصادی نوین به همراه نداشت، خواستار پیشرفت سریع اقتصادی و صنعتی شدن کشور بود. به همین دلیل، برنامه‌ریزی‌های جدید اقتصادی با آزمایش و خطا و کاستی‌هایی همراه بود.

برنامه صنعتی سازی جایگزین واردات در ایران همانند سایر کشورهای پیرامونی تولیدکننده مواد خام کشاورزی، پاسخی به بحران اقتصاد جهانی بود؛ بنابراین تحلیل ساده‌انگارانه ارتباط دادن برنامه‌ریزی‌های اقتصادی مدرن ایران به ویژگی‌های روانی و شخصیتی یک فرد خاص یا معرفی آن به عنوان عاملی برای جلوگیری از رشد مبارزات ضد استعماری ناشی از عدم درک درست تاریخ ایران و جهان و توهم بیش از حد توطئه است.

انحصار تجارت خارجی و ایجاد معاهدات پایاپای تجاری با کشورهای آلمان و شوروی تنها به دلیل تأثیرپذیری از سیاست‌های اقتصادی شوروی نبود، بلکه وسیله‌ای برای مقابله با سلطه اقتصادی شوروی بر بازرگانی خارجی ایران بود که در نتیجه آن دولت هم می‌توانست از صنایع داخلی خود حمایت نموده و ماشین‌آلات صنعتی مورد نیاز را وارد کند و هم برای صدور محصولات کشاورزی خود - که در اثر رقابت کشورهای تولیدکننده جدید و اثرات جانمایی کالا، بازار مناسبی برای فروش نداشت - بازار ثابت و مطمئنی پیدا کند. علاوه بر این، با انحصار تجارت خارجی تلاش می‌کرد تا بازارهای جدیدی برای صدور محصولات کشاورزی، که به شدت وابسته به شوروی شده بود، بیابد؛ از این رو صنایع نوپای آلمان و ژاپن (به ویژه صنایع نساجی) که توان رقابت با صنایع انگلستان و خرید مواد خام با کیفیت را نداشت، مکمل خوبی برای خرید محصولات کم کیفیت ایران بود.

منابع

- باریر، جولیان. (۱۳۶۳). *اقتصاد ایران از ۱۹۰۰ تا ۱۹۷۰*. تهران: مؤسسه حسابرسی سازمان برنامه و بودجه.

- بهرامی، تقی. (۱۳۳۰). *جغرافیای کشاورزی ایران*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- ترابی فارسانی، سهیلا. (۱۳۸۳). «سرمایه‌داری تجاری و عملکرد آن در سال‌های پس از جنگ جهانی اول». *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان*. دوره دوم. ش ۳۶ و

- سلطانزاده، آوتیس. (۱۳۸۳). *انکشاف اقتصادی ایران و امپریالیسم انگلستان*. ترجمه ف. کوشا. تهران: انتشارات مازیار.
- جزایری، شمس‌الدین. (۱۳۴۲). *قوانین مالیه و محاسبات عمومی*. ج ۱. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- خلیلی‌خو، محمد رضا. (۱۳۷۳). *توسعه و نوسازی در ایران دوره رضاشاه*. تهران: جهاد دانشگاهی.
- رشیدی، علی. (۱۳۸۶). *تحولات صد ساله اقتصاد ایران در سایه روابط بین‌المللی*. تهران: روزنه کار.
- روسانی شاپور. (بی‌تا). *دولت و حکومت در ایران*. تهران: نشر شمع.
- زاهدی، علی. (۱۳۴۲). *نجوم پروگرام صنعتی شدن ایران*. تهران: بی نا.
- زرگر، علی اصغر. (۱۳۷۲). *تاریخ روابط ایران و انگلیس در دوره رضاشاه*. ترجمه کاوه بیات. تهران: انتشارات پروین.
- صفی‌نیا، رضا. (۱۳۰۷). *استقلال گمرکی ایران*. تهران: چاپخانه فردوسی.
- طاهر احمدی، محمود. (۱۳۸۴). *روابط ایران و شوروی در دوره رضاشاه*. تهران: انتشارات وزارت خارجه.
- غنی‌نژاد، موسی. (۱۳۷۷). *تجددطلبی و توسعه در ایران معاصر*. تهران: نشر مرکز.
- فاتح، مصطفی. (۱۳۱۳). «محصولات فلاحتی». *مجله مهر*. سال دوم. ش ۹.
- فوران، جان. (۱۳۸۳). *مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی*. ترجمه احمد تدین. تهران: خدمات فرهنگی رسا.
- کاتوزیان، محمد علی همایون. (۱۳۷۲). *اقتصاد سیاسی ایران*. ترجمه کامبیز عزیزی و محمدرضا نفیسی. تهران: نشر مرکز.
- کندی، پل. (۱۳۸۲). *ظهور و سقوط قدرت‌های بزرگ*. ترجمه محمد قائد و دیگران. کتاب دوم. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

- گالبرایت، جان کنت. (۱۳۸۰). **سیری در اقتصاد معاصر**. ترجمه عباس قانع بصیری و محسن قانع بصیری. تهران: انتشارات فرزانه.
- گلیدو ای. اچ. (۱۳۸۶). **اوضاع اقتصادی ایران در آغاز قرن بیستم**. ترجمه معصومه جمشیدی و دیگران. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر.
- متین دفتری، احمد. (۱۳۲۴). **دخالت مستقیم دولت در اقتصاد کشور**. تهران: [بی‌نا].
- معاونت خدمات مدیریت و اطلاع‌رسانی دفتر رئیس جمهور. (۱۳۸۰). **اسنادی از ارزش و انحصار تجارت خارجی ایران در دوره رضاشاه (۱۳۰۵-۱۳۱۱ ه. ش)**. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- معاونت خدمات مدیریت و اطلاع‌رسانی دفتر رئیس جمهور. (۱۳۸۰). **اسنادی از انجمن‌های بلدی، تجار و اصناف (۱۳۲۰-۱۳۰۰ ه. ش)**. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- معتمدی، ناصر. (۱۳۵۰). **ضرورت صنعتی شدن یا افزایش قدرت تولید ملی**. تهران: [بی‌نا].
- میر حیدر، حسین. (۱۳۵۵). (با همکاری اسماعیل شهبازی). **از تیول تا انقلاب ارضی: مروری بر تحولات کشاورزی در پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی**. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- نوشیروانی، س. (۱۳۶۵). **سرآغاز تجاری شدن محصولات کشاورزی ایران. در کتاب آگه، (مسائل ارضی و دهقانی)**. تهران: انتشارات آگه.
- وحید مازندرانی، غلامعلی. (۱۳۱۶). **اقتصاد ملی و سیاست اقتصادی ایران**. تهران: انتشارات جعفری.
- وکیلی، علی. (۱۳۴۳). **داور و شرکت مرکزی (خاطرات علی وکیلی)**. تهران: اتاق بازرگانی ایران.
- **روزنامه اطلاعات**. ۱۱ خرداد ۱۳۱۰. ش ۱۳۳۰.
- **روزنامه اطلاعات**. ۷ شهریور ۱۳۱۰. ش ۱۴۰۲.
- **روزنامه اطلاعات**. ۳۰ دی‌ماه ۱۳۱۰. ش ۱۵۷۴.
- **روزنامه مرد آزاد**. سال اول. ش ۷۰. چهارشنبه ۱۶ جوزا. ۱۳۰۲.

- *روزنامه مرد آزاد*. سال اول ش ۱۴۱. دوشنبه ۸ میزان ۱۳۰۲.
- *مجله بانک ملی ایران*. ش ۳۲. بهمن ۱۳۱۷.
- *مجله بانک ملی ایران*. ش ۱۷. آبان ۱۳۱۶.
- *مجله بانک ملی ایران*. ش ۱۶. مهر ۱۳۱۶.
- *مجله مدرسه عالی فلاحت کرج*. ش ۹. آبان ۱۳۱۳.

- Burrell, R. M. (1997). *Iran political diaries*. London: Archive Edition.
- Fateh, Moustafa. (1926). *The economic position of Persia*. London.
- Ghods, Mohammad Reza. (1986). *Iran in the twentieth century*. Lynne Rienner publication. United State of America.
- James, Harold. (2000). *The Fall and Rise of the European Economy in the Twentieth Century*. In the oxford history of modern Europe edited by T. C. W. Blonning. Oxford University Press.
- Moghadam, G. R. (1957). *Iran foreign trade policy and economic development in the inter war period*. Ph. D. thesis. Stanford University.
- Simmonds, S. (1935). *Economic Condition in Iran (Persia)*. Department of Overseas Trade. London.